

۲۲۷۴۵۶۵

نقش جنسیتی و نقاشی

تألیف

سمیه یوسفی



انتشارات نویان

۱۳۹۵

سرشناسه	: یوسفی، سمیه، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: نقش جنسیتی و نقاشی/ تألیف سمیه یوسفی.
مشخصات نشر	: سنندج: نویبان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱، ۱۱۴ ص.
شابک	: ۶-۷۵-۷۰۹۰-۶۰۰-۱۴۰۰۰۹۷۸ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: نقاشی و نقاشی‌های کودکان -- ایران -- جنبه‌های روان‌شناسی -- نمونه‌پژوهی
موضوع	: -- Iran -- Psychological aspects -- Children's drawings: Case studies
موضوع	: تفاوت‌های جنسی (روان‌شناسی) -- ایران -- نمونه‌پژوهی
موضوع	: Sex differences (Psychology) -- Iran -- Case studies
موضوع	: هویت جنسی -- ایران -- نمونه‌پژوهی
موضوع	: Gender identity -- Iran -- Case studies
موضوع	: کردان - ایران
موضوع	: Kurds - Iran
رده‌بندی کنگره	: BF۷۲۳-۱۳۹۵/۲ ی/ن
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۵/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۰۲۸۴۲



نقش جنسیتی و نقاشی

تألیف: سمیه یوسفی

ناشر: انتشارات نویبان

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۶-۷۵-۷۰۹۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۳	 جنس و جنسیت
۱۳	 هویت جنسی
۱۴	 نقش جنسی و نقش جنسیتی
۱۴	 باورهای نقش جنسیتی
۱۵	 جامعه‌پذیری جنسیتی
۱۶	 نظریه‌های نقش جنسیتی
۱۶	 نظریه‌های زیست‌شناختی
۱۸	 نظریه زیستی - اجتماعی
۱۹	 نظریه‌های شناختی
۱۹	 نظریه رشد شناختی
۲۰	 نظریه طرحواره جنسیتی
۲۲	 نظریه‌های روانشناسی اجتماعی
۲۲	 نظریه روانکاوی
۲۴	 نظریه یادگیری اجتماعی
۲۵	 دیدگاه‌های فمینیستی

- آسیب‌های روانی و جسمانی ناشی از باورهای کلیشه‌ای نقش جنسیتی ۲۸
- آثار روانی ۲۸
- آثار جسمانی ۲۹
- عوامل تأثیرگذار بر نقش‌های جنسیتی ۲۹
- خانواده ۳۰
- مدرسه ۳۱
- دوستان ۳۳
- کتاب‌ها ۳۴
- رسانه‌ها ۳۵
- نقاشی کودکان ۳۷
- دوره‌های پژوهش در زمینه‌ی نقاشی کودکان ۳۹
- نگرش‌های رشد‌مدارانه ۳۹
- نگرش‌های بالینی - قرافکنانه ۴۰
- نگرش‌های هنرمندانه ۴۰
- نگرش‌های فرآیندی ۴۱
- نظریه‌های نقاشی ۴۲
- تصاویر به مثابه نمادها ۴۲
- نظریه‌های ادراکی تصاویر ۴۲
- نظریه‌های بوم‌شناختی ۴۳

۴۳	نظریه‌های طرح‌ریزی - پرسپکتیوی درباره ادراک تصویر
۴۴	نظریه اطلاعات تغییرناپذیر گیسون درباره ادراک تصویر
۴۵	نظریه‌های ساختارگرایان درباره ادراک تصویر
۴۶	نظریه‌های گشتالتی ادراک تصویر
۴۸	مراحل رشد نقاشی در کودک
۴۸	مراحل رشد نقاشی از نظر لوکه
۴۹	واقع‌گرایی از نظر لوکه دارای مراحل است:
۴۹	واقع‌گرایی تصادفی
۵۰	واقع‌گرایی ناقص
۵۱	واقع‌گرایی فکری
۵۱	واقع‌گرایی دیداری
۵۲	دیدگاه دیلو درباره مراحل رشد نقاشی
۵۳	عوامل مؤثر بر نقاشی کودکان
۵۳	نقاشی کودک و احساس به خود
۵۴	کاربرد نقاشی در تحقیقات کودک
۵۵	تفسیر نقاشی
۵۹	تحقیقات انجام‌شده
۵۹	تحقیقات انجام‌شده در زمینه‌ی نقش جنسیتی
۵۹	پژوهش‌های خارجی

مقدمه

به عقیده بسیاری از روان‌شناسان، جنسیت^۱ شاید یگانه ویژگی مهمی است که به‌طور اساسی تعیین‌کننده ادراکات، نگرش‌ها، رفتارها و منزلت افراد در جامعه بوده و خود نیز به‌شدت تحت تأثیر یادگیری اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. هر یک از مقولات مرد یا زن بودن مبتنی بر یکسری تصورات و پیش‌فرض‌هایی درباره نگرش‌ها و رفتارهای مناسب مردانه و زنانه (طرحواره جنسیتی)^۲ است که در فرهنگ هر جامعه‌ای تعاریف ویژه و متفاوتی می‌یابد. این تعاریف ویژه در مورد مردانگی و زنانگی در جامعه باعث می‌شود تا زنان و مردان در درون جامعه نقش‌هایی را مبتنی بر این تعاریف بر عهده گیرند، این نقش‌ها را نقش جنسیتی^۳ می‌نامند.

نقش جنسیتی به‌عنوان آنچه مردم درباره‌ی طبقه زنان و مردان فکر می‌کنند، تعریف می‌شود. انتظارات درباره‌ی چیزی که برای هر جنس مناسب است، ویژگی‌های نقش جنسیتی را تشکیل می‌دهد. یعنی انتظارات و باورهای به اشتراک گذاشته‌شده‌ای است که به افراد براساس جنسیتشان نسبت داده می‌شود. اسپنس^۴ (۱۹۹۳) ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌ها، ویژگی‌های جسمی و انتخاب‌ها را در نقش جنسیتی به‌حساب می‌آورد (متود^۵، بشکورت^۶، و ایبازن^۷، ۲۰۱۴). نقش‌های جنسیتی توانایی‌ها و خصوصیات را به مردان نسبت می‌دهد که زنان از آن بی‌بهره‌اند و از طرف دیگر توانایی‌ها و خصوصیات را به زنان نسبت می‌دهد که مردان از آن بی‌بهره‌اند. به عبارتی نقش جنسیتی شامل حقوق و تعهداتی است که به‌عنوان زنان و مردان شایسته در جامعه تعریف شده است (تزینر و بارششت-پیک^۸، ۲۰۱۴). مثلاً دختر باید لطیف، مهربان، علاقه‌مند به آشپزی و امور خانه‌داری،

۱- Gender

۲- Gender Schema

۳- Gender Role

۴- Spence

۵- Matud

۶- Bethencourt

۷- Ibanez

۸- Tzinerr & Barsheshet-Picke

علاقه‌مند به کودکان و با محبت باشند، اما پسر باید قوی و قدرتمند، تا حدودی پرخاشگر، متمایل به زندگی بیرون از خانه، بازی و ورزش باشد (هنریگتون، پارکه، ۱۳۷۳).

شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی یا ترجیحات و رفتارهای مربوط به جنسیت که جامعه‌پسند هستند از همان سال‌های اولیه پیش‌دبستانی شروع می‌شوند و در یادگیری نقش‌های جنسیتی هرچند عوامل زیستی تأثیر گذارند، اما عامل عمده در ترکیب نقش‌های متناسب با جنس، یادگیری (عوامل محیطی) است؛ بنابراین فرد این نقش‌ها را از طریق محیطی که در آن زندگی می‌کند، یاد می‌گیرد و نهادینه می‌سازد و به‌موجب آن تمام فعالیت‌ها و کارهای فرد و نیز اهداف و آرزوهای او تحت تأثیر این نقش‌ها قرار می‌گیرند. هرچه این نقش‌ها درست و فارغ از هرگونه پیش‌داوری و قضاوت جنس افراد باشد موجبات رشد و تکامل کامل‌تر افراد را چه زن و چه مرد فراهم می‌کند (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸). مسئله اینجاست که همه الگوهای نقش و همه کلیشه‌های جنسیتی را نمی‌توان خوب یا بد ارزیابی کرد؛ اما این الگوها در جامعه چنان بوده‌اند که به‌طور کلی نقش و کلیشه‌های مردان، آن‌ها را به کار در عرصه عمومی و بیرون از خانه و زنان را به کار خانگی و امور درون خانه تشویق می‌کنند. از زنان اطاعت و فرمان‌برداری و از مردان فرماندهی و سلطه‌گری و اقتدار در حیطه‌های شغلی و خانوادگی انتظار می‌رود (بم^۱، ۱۹۹۳؛ بونیللا^۲، ۱۹۹۸؛ کالوو^۳، ۲۰۰۲؛ کانراد^۴، ۲۰۰۰؛ وود و اگلی^۵، ۲۰۰۲، اکواریا^۶، ۱۹۹۲؛ به نقل از کالوو-سالگورو^۷، ۲۰۰۸؛ و دشتی، ۱۳۹۱). حتی در ادبیات سفر تفریح در فضای باز و طبیعت برای مردان و ایده‌های مد برای زنان ترویج می‌شود این بازنمودها جایگاه زن را به‌عنوان یک مصرف‌کننده در جامعه می‌سازد (مورین^۸، ۲۰۱۲)؛ که همین نقش‌های مطیع بودن منجر به سلطه مردان بر زنان و ایجاد محدودیت و تهدیدهای بی‌شماری برای آنان می‌شود، برای مثال نابرابری آموزشی برای زنان در مقایسه با مردان فرصت رشد و ارتقای شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می‌نماید و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می‌کند که باعث می‌شود زنان

^۱- Bem

^۲- Bonilla

^۳- Calvo

^۴- Konrad

^۵- Wood and Eagly

^۶- Echevarría,

^۷- Calvo-Salgueiro

^۸- Morin

در زمینه‌های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان را نداشته باشند و اگر هم در شرایط مساوی با آن‌ها باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح خواهند داد، نیز می‌توان اشاره کرد که با وجود آمار و ارقام مختلفی که در مورد خشونت علیه زنان در جهان وجود دارد اما آمار و ارقام دقیق از آن در ایران وجود ندارد. یکی از ویژگی‌های خشونت علیه زنان در ایران، پنهان بودن آن از نظر خانواده‌ها و هم از نظر دولت است. زنان تا آنجا که امکان دارد سکوت می‌کنند و اعتراضی نمی‌کنند. پنهان نگاه‌داشتن اعمال خشونت علیه زنان و پرهیز زنان از واکنش فعال نسبت به آن یکی از مشخصات خشونت علیه زنان در تمام جوامع است (بارت^۱، ۱۹۸۰).

وردی نیا، ریاحی و اسفندیاری (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که هرچه افراد بیشتر به لحاظ جنسیتی مورد تشویق و یا تنبه قرار گیرند و نیز دختران انتظارات جنسیتی والدین از دختران را مبنی بر عدم پرخاشگری و تنه‌خیزی برآورند و با سکوت و تحمل در وضعیت‌های خشونت‌آمیز در خانواده و جامعه مورد تحسین و انواع تشویق مساوی والدین و دیگران قرار گیرند، نگرشی تمکین‌کننده‌تر و پذیرا تر نسبت به خشونت علیه زنان دارند؛ از (دون-ایمامگلو^۲، بدون سال انتشار) در پژوهش خود نشان داد که نقش جنسیتی بر روی وابستگی به تأیید، اعتماد در دیگران و آگاهی عاطفی تأثیر دارد.

این در حالی است که صاحب‌نظران و کارشناسان امور توسعه معتقدند که مادر مقطعی از تکامل بشری قرار گرفته‌ایم که منابع انسانی اساسی‌ترین نقش را در توسعه‌ی جوامع ایفا می‌کنند و مقدار و چگونگی این منبع، تعیین‌کننده‌ی موفقیت یا عدم موفقیت کشورها در مسیر توسعه است. منابع انسانی هم شامل مردان می‌شود و هم زنان. به همین دلیل برنامه‌ریزان توسعه همواره باید در نظر داشته باشند که در ارتقای شرایط اجتماعی، زنان شهروندان درجه دوم، ضعیف یا حاشیه‌ای نیستند، بلکه برای رسیدن به شرایط مطلوب اجتماعی باید بر نقش زنان به‌عنوان فعال اقتصادی تأکید شود؛ زیرا عدم

^۱ - Barrett

^۲ - Erden-imamglu

بهره‌وری از نیروی بالقوه زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می‌سازد.

تحولات وسیع و در برخی موارد شتاب‌زده دهه‌های اخیر در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از اشتغال، اوقات فراغت، فرزند پروری و غیره بر نوع تعاملات انسانی اثر چشم‌گیری باقی گذاشته است و موجب تغییر در نقش‌های جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی شده است، به‌طور مثال براساس اطلاعات مرکز آمار ایران نرخ فعالیت زنان در بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۴ با وجود نوساناتی که داشته است، در نهایت شاهد افزایش نرخ فعالیت زنان از ۲۸ به ۱۶.۵ بوده‌ایم (راو درادو نائی، ۱۳۸۶). از نشانه‌های کشورهای توسعه‌یافته کاهش شکاف بین توسعه‌یافتگی زنان و مردان است. به طبع این امر، تلاش‌های زیادی برای حذف این موانع ایجاد شده است و امروزه بسیاری از زنان و مردان انتظاراتی را که از آن‌ها می‌رود، مورد سؤال قرار می‌دهند و تمایل به تجدیدنظر در روش خود دارند، نگرش‌های سنتی به نقش جنسیتی در حال تحول و دگرگونی هستند. زنان خواهان برابری با مردان در نقش جنسیتی هستند (کیای، بهرامیو طارمیان، ۱۳۸۸).

با وجود این تحولات گسترده هنوز نمی‌توان با اطمینان عنوان داشت که این باورها به کلی از بین رفته‌اند، در واقع هنوز وجود دارند و رفتارها و افکار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین لازم است تا تلاش شود این نقش‌های جنسیتی که در جامعه ایجاد شده‌اند و در جریان جامعه‌پذیری توسط فرد آموخته می‌شوند، شناسایی شوند.

افراد نقش‌های جنسیتی را از طریق جامعه‌پذیری نقش جنسیتی به دست می‌آورند (توپوز^۱ و یلدیزباز^۲، ۲۰۱۴). افراد از همان ابتدای زندگی به جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی می‌پردازند و به تدریج درک می‌کنند که چه کسی هستند و کدام هویت‌های گروهی برای آنان اهمیت دارد. هویت جنسیتی یکی از اولین و مهم‌ترین راه‌هایی است که کودکان از طریق آن خود را می‌شناسند و دیگران آن‌ها را می‌شناسند. کودکان در سن ۲ تا ۶ سالگی می‌آموزند که خود را پسر یا دختر بدانند. بهترین دوران برای شناسایی این باورها دوران کودکی است. تا بتوان با اصلاح این نقش‌ها

^۱ - Topuz

^۲ - Yildizbas

زمینه رشد همه‌جانبه تمام افراد جامعه را فراهم نمود از تمام توان خود و به طبع این امکان را ایجاد کرد تا جامعه در راستای تطابق با جریان سریع تغییرات و تحولات استفاده نماید.

شاید استفاده از روش‌های معمول مانند مصاحبه و پرسشنامه قابلیت چندانی در شناخت عمیق کودکان نداشته باشند، این در حالی است که کودکان آنچه را نمی‌توانند به لفظ درآورند از طریق نقاشی به ما انتقال می‌دهند. کودکان همه مسائل زندگی خود را به واسطه نقاشی به تجربه درمی‌آورند، خود را می‌آزمایند و من خویش را بیان می‌کنند (یزدانی، ۱۳۹۰).

نقاشی، یکی از ابزارهای سودمند ارتباط با کودکان در تشخیص و درمان گستره وسیعی از مسائل آنان می‌باشد. نقاشی کودکان هم‌چون پیامی است که آنچه آنان نمی‌توانند با زبان بیان کنند، در آن منعکس می‌کنند. لذا همه گستره زندگی را به وسیله نقاشی به تجربه درمی‌آورد. براساس سبک ترسیمی کودکان و نیز تحلیل محتوای نقاشی‌های آنان می‌توان به سازمان‌یافتگی روان‌شناختی آن‌ها پی برد (یزدانی، ۱۳۹۰). چرا که کودکان به محتوای ترسیمی و نیز با سبک ترسیمی خود، سازمان‌دهی مشخصی را منعکس می‌سازد، انتخاب رنگ‌ها، سازمان‌دهی صفحه کاغذ، انواع محدودسازی‌های موضوع مورد تجسم در حکم ابعادی صوری هستند که بر اساس تحلیل نقاشی به منزله یک فعالیت بیانی می‌توان به آن‌ها دست‌یافت.

بر این اساس با توجه به اهمیت مسئله شناسایی باورهای جنسیتی در دوران کودکی برای کمک به رشد همه‌جانبه کودکان و نیز اهمیت نقاشی در دوران کودکی به عنوان ابزاری برای شناخت شخصیت و نگرش‌های کودک، می‌توان به بررسی این باورها در نقاشی کودکان پرداخت تا بتوان به چندین سوال پاسخ داد که: باورهای غالب نقش جنسیتی چه هستند؟ و این باورها چگونه در نقاشی کودکان نمود می‌یابند؟